



فصلنامه مدیریت شهری - شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
Modiriyat Shahri- NO.19. Spring 2008

■ ۱۹-۲۷ ■

تأملی در مدیریت شهرها (با تکیه بر اسلامیت شوراها)

دکتر محمد نقی زاده*

چیست دین؟ برخاستن از روی خاک

تا که آگه گردد از خود، جان پاک

**Reflection on urban management
(With the emphasis on Islamic city hall)**

Abstract

In studies of topics related to urban management, an area which needs to be investigated is explaining the specifications and the related effects on the Islamic city councils, because of being Islamic. Not entering the legal subjects and without claiming to discuss all the related issues which each needs independent discussion, here, some topics as below will be mentioned after an introduction: "measures expected from the Islamic councils", "main principles of urban life", "how to apply Islamic codes in urban management" and at finally some subjects will be mentioned as the results.

Key Words: City, City Councils, Islamic Councils, Urban Management, Islamic Culture.

چکیده

در مطالعه موضوعات زیاد مرتبط با مدیریت شهری، یکی از زمینه‌هایی که مطالعه‌ای در خور را طلب می‌کند، تبیین ویژگی‌ها و اثرات مترتب بر شوراهای اسلامی شهرها، در پی انصاف شوراهای شهر به "اسلامیت" است. بدون داخل شدن در مباحث حقوقی، و ضمن ادعا نکردن پرداختن به همه موضوعات مرتبطی که هر کدام بحث مستقل و مستوفایی را طلب می‌کنند، در اینجا، پس از ذکر مقدمه‌ای که به انگیزه‌ها و ضرورت پرداختن به موضوع اشاره می‌کند، به برخی موضوعات، تحت عنوان زیر اشاره خواهد شد. اقدامات مورد انتظار از شوراهای اسلامی، اصول اصلی حیات شهری، راه‌های اعمال اصول اسلامی در مدیریت شهری، برخی پیشنهادات و نتیجه‌گیری.

مطالعات و مباحث مطروحه نشان خواهد داد که تبیین برنامه و مبانی مدیریت شهرها بر اساس آموزه‌های اسلامی مهم‌ترین وظیفه نظام مدیریت شهری و از جمله شوراهای اسلامی است. برای نمونه می‌توان موضوعاتی همچون ساماندهی مدیریت بحران‌های معنوی و ارایه‌ی نسخه‌ی ایرانی و روز آمدآرا و الگوهای جدید و تاریخی را به عنوان برخی از مهم‌ترین اهداف برنامه معرفی کرد. علاوه بر آن، فرهنگ‌سازی (در میان مدیران و جامعه) و تدوین مبانی نظری مدیریت شهری و شهرسازی اسلامی نیز موضوعاتی می‌باشند که توجه جدی شوراهای اسلامی را طلب می‌کنند. در تحصیل این اهداف، توجه به اصول اصلی حیات شهر (مشتمل بر ارتباط با طبیعت، قانون‌مندی و آموزش و امنیت و اصلاح و عمران و وحدت و جامع‌نگری) مطابق آرا و تعاریف اخذ شده از تعالیم اسلامی یک ضرورت است. راه‌های اعمال اصول اسلامی در مدیریت شهری نیز از طریق آموزش و هماهنگی، ارزیابی، عبرت‌گیری، تذکر، قناعت و عزت خواهد بود، اصلی‌ترین نکته این که شوراهای اسلامی (و البته نهادهایی که صفت اسلامی را برای آن برگزیده‌اند) باید در پی تدوین برنامه جامع شهرسازی و شهرداری اسلامی بر اساس متون اسلامی و مقتضیات زمان و مکان و شرایط باشند، و البته از رنگ اسلامی دادن به آرا و تجارب دیگران به طور جدی احتراز کنند.

کلیدواژه‌ها: شهر، شورای شهر، شورای اسلامی، مدیریت شهری، فرهنگ اسلامی.



درآمد

معنا و مفهوم ائتصاف يك موضوع به صفتی که آن صفت حاکی از جهان بینی و اعتقادات و تفکر و فرهنگ خاصی باشد، بر این موضوع مهم گواهی می‌دهد که علاوه بر آن که آن صفت بر پیدایش و تعریف موصوف تاثیر داشته است، موصوف نیز باید مظهر ویژگی‌های بنیادین آن صفت باشد، و به عبارتی ویژگی‌ها و عوامل هویتی صفت باید در موصوف متجلی شوند.

سخن در این است که اگر موضوع یا پدیده‌ای در همه جوامع و تمدن‌ها و ادیان و اقلیم‌ها وجود داشته و شکل‌گیری آن نیز به نحوی متأثر از جهان بینی و تفکر مردمان باشد، می‌توان آن موضوع یا پدیده را در هر جامعه‌ای به صفتی متصف نمود که بیانگر تفکر و جهان بینی آن جامعه یا تمدن باشد. به بیان دیگر، ائتصاف موضوعات و پدیده‌ها به هر صفتی بیانگر بسیاری ویژگی‌ها و از جمله هویت و عملکرد و وجه تمایزشان با سایر موضوعات و پدیده‌های مشابه می‌باشد. هنگامی که صفت‌ها ریشه و مبنایی فلسفی و فرهنگی و دینی داشته باشند، و به عبارت ساده‌تر، حاکی از يك جهان بینی و تفکر خاص باشند، انتظار می‌رود که تمایز آن‌ها با سایر پدیده‌های مشابه به نحو بارزتری خویش را بنمایاند. برای نمونه، در مورد ائتصاف يك موضوع به صفت "اسلامیت"، انتظار شنونده این است که ویژگی‌های این صفت را در موصوف ببیند، و در این مثال، دریابد که وجه تمایز و عوامل هویتی موضوعی که با "اسلامیت" معرفی شده است، با موضوع‌هایی مشابه که به صفت اسلامی متصف نیستند، کدام‌اند؟

از آنجایی که همه صفاتی که برای وظایف شوراها به جهت اسلامی بودنشان تعریف می‌شود به نحو دیگری بر تعریف ویژگی‌های فعالیت شهرداری‌ها اثر خواهند داشت، در این مجال، سعی بر آن خواهد بود تا به تبعات ناشی از اسلامیت شوراها شهر که به صراحت اعلام شده است، یا به انتظاراتی که از "شوراها" اسلامیت می‌رود، اشاره شود. در مورد روند انتخاب صفت برای هر موضوعی به طور اجمال می‌توان گفت که اگر موضوعی مخصوص و منحصر به جهان بینی، دین، اقلیم، تمدن یا مکتب خاص و یگانه‌ای باشد و در سایر (جهان بینی‌ها، ادیان، اقلیم، تمدن‌ها و مکاتب) موارد مشابه آن موضوع، سابقه و موضوعیت نداشته باشد، معمولاً به انتصاب و ائتصاف پدیده یا موضوع به جهان بینی، دین، اقلیم، تمدن و مکتبی که منشا و سرچشمه آن بوده است، نیازی نمی‌باشد. برای نمونه، از آنجایی که مراسم حج یا کعبه شریف خاص دین اسلام

هستند، سخن گفتن از حج اسلامی یا کعبه اسلامی مصطلح و متداول نبوده و اصولاً ضرورتی به بیان آن نمی‌باشد. زیرا این‌ها اسم خاص هستند و اسلامیت خویش را در خود مستتر دارند. در حالی که می‌توان از عبادت اسلامی، زیارت اسلامی، ازدواج اسلامی و بسیاری از این قبیل تعابیر، سخن گفت؛ چرا که عبادت و زیارت و ازدواج در سایر ادیان و تمدن‌ها و مکاتب و مذاهب نیز وجود دارند که برای روشن شدن وجه تمایز نسخه اسلامی‌شان با سایر نسخه‌ها باید به تفکری که مختصات آنها را تعیین می‌کند اشاره کرد. برای مطالعه در وجه تمایز و افتراق شوراها اسلامی با شوراهاهایی که به صفت اسلامی متصف نیستند، می‌توان به موضوع‌های مرتبط با شورا و اعضاء تشکیل شده آنها اشاره کرد. در واقع، شورای اسلامی نباید و نمی‌تواند عمل شوراها شهر سایر بلاد جهان را تقلید و تکرار نماید و حتی اگر چنین نیازی حس کند، باید قبلاً نسبت به بومی کردن روش و عمل آنان و یا به عبارتی نسبت به ارزیابی و تطبیق یا تعیین میزان مطابقت آن روش‌ها و رویه‌ها با اصول و ارزش‌های اسلامی اقدام کند، و از تطبیق آنها با آموزه‌های اسلامی (و حداقل از عدم ضدیت و تعارض آنها با اصول و ارزش‌های اسلامی) اطمینان حاصل کند. در حقیقت، از ابتدایی‌ترین وظایف شورای شهر (متصف به اسلامیت) آن است که در ابتدا دریابد که آیا اسلام برای اداره و توسعه شهر و محیط زندگی پیروان خویش نظراتی دارد؟ و پس از آن پی‌جویی کند که آیا اسلام برای الگوها و آرایه‌هایی که در میان بیگانگان رواج دارد و او قصد الگو برداری و تکرار و تقلید از آنها را دارد، نظر و نظریه و الگو و مصداق و معیاری برای ارزیابی دارد یا خیر؟ به عبارت بهتر، اصلی‌ترین وظیفه شورای اسلامی شهر عبارتست از: معرفی نسخه‌های اسلامی همه موضوع مرتبط با شهر، اعم از این که این موضوعات در کدام يك از طبقات زیر قرار گیرند.

- موضوع‌ها ممکن است خاص و بر گرفته از تعالیم اسلام باشند، که برخی موضوع‌ها مطرح در این زمینه عبارتند از: توحید، حرمت خانواده، ارزش و جایگاه انسان، صلح و رحمت، برادری، برابری و قس علیهذا.

- محتمل است که موضوعات، علی‌الظاهر موضوعاتی جدید الولاده باشند، که از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از: احترام به محیط زیست و حفاظت آن، توسعه پایدار (کمال‌گرایی)، مشارکت جمعی (تعاون)، حقوق بشر و ...

- موضوع‌های دیگر موضوعاتی هستند که ما خود از بیگانه و به ویژه از غرب هستند، که برخی از آنها عبارتند از: مرز بندی‌ها، نظام‌های سیاسی و اقتصادی، روش‌های

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahri
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
NO.19. Spring 2008



باید گفت که موضوع‌های مرتبط با شورا به طور عمده متشکل از سه جزء اعضاء، وظایف و اختیارات و تصمیمات هستند. آنچه که این مقاله متوجه آن است وظایف شورا و امور مربوط به آن می‌باشد. زیرا اگر این قسمت موضوع روشن شود معیارهایی برای ارزیابی تصمیمات نیز به دست خواهد آمد.

اقدام‌های مورد انتظار از شوراهای اسلامی

مطابق اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شوراهای شهر در کنار سایر شوراها، مجلس شورای اسلامی، شوراهای استان و شهرستان، محل، بخش، روستا و نظایر این‌ها، از ارکان تصمیم‌گیری و اداره کشور هستند. کلماتی را که هم قانون اساسی و هم قانون شوراهای اسلامی در تبیین وظایف شوراها به کار برده‌اند عبارتند از: برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، سایر امور رفاهی، همکاری مردم، مقتضیات محلی، نظارت، انتخاب شهردار، تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حل‌های کاربردی، مراکز تفریحی، ورزشی و فرهنگی و...

با عنایت به این تعابیر، آن دسته از موضوع‌های مربوط به شوراها که در زمینه‌های شهرسازی و معماری و مدیریت شهری دخیل هستند، عبارتند از: انتخاب شهردار (مدیریت شهر و تماس با ساکنان شهر)، تامین منابع، فرهنگ‌سازی (توسعه فرهنگی)، توسعه فیزیکی شهر (شهرسازی و الگوهای معماری و مسکن). از همه این‌ها مهم‌تر آن است که شورا باید به فکر تامین نیروی انسانی و متخصص‌هایی باشد که قرار است برنامه‌ها و منویات او را جامه عمل بپوشانند و برای تامین این نیرو که اصلی‌ترین وسیله وصول به آرمانهای جامعه اسلامی است، برنامه‌ریزی نموده و از مجامع آموزشی نیز بخواهد که در این زمینه به طور جدی یاری‌اش کنند. باید به طور دقیق بارزهای فرهنگ اسلامی را بداند تا بتواند آن را توسعه دهد. باید بداند شهر اسلامی چیست؟ ویژگی‌های آن کدام‌اند؟ و چگونه می‌توان آن را متجلی ساخت؟ یا حداقل امکان ظهور آن را فراهم کرد؟ به این ترتیب، انتظاراتی از شوراهای اسلامی شهرها وجود دارد، که در این مجال سعی بر آن خواهد بود تا به برخی زمینه‌هایی که می‌توانند و باید (به عنوان وظایف ناشی از اسلامیت شوراهای اسلامی) مورد توجه‌شان قرار گیرند، و وظیفه شوراها، ارایه نسخه اسلامی آنهاست، اشاره شود. مدیریت بحران‌های معنوی: اگر چه که وجود سامانه قدرتمند و کارآمدی برای مدیریت بحران یکی از اصلی‌ترین عوامل القا و گسترش احساس امنیت و ایمنی و یکی از

زیست و تولید.

- و بالاخره موضوعاتی که مسبوق به سابقه بوده و نیاز به روزآمد شدن داشته باشند، از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از: محله‌بندی شهرها، سازمان قضایی شهر، حقوق متقابل مدیر و اهل شهر، مالکیت، حرکت و امثالهم (برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: نفی‌زاده، ۱۳۸۴).

به این ترتیب، شاید بتوان گفت: یکی از اصلی‌ترین وظایف مورد غفلت یا به عبارت بهتر اصلی‌ترین وظیفه شوراهای اسلامی شهرها که در صفت اسلامی آنها مستور است، تبیین و تدوین و معرفی نسخه اسلامی همه وظایفی است که قانون شوراها برای شوراهای اسلامی تعریف و تعیین کرده است. فراتر از آن، انتظار این است که شوراهای اسلامی شهرها، نسخه و الگوی اسلامی مدیریت و ساخت و توسعه شهر و محیط اسلامی را ارائه نموده و در جهت نمایش جلوه اسلامی همه موضوعات مرتبط با زندگی شهر همت گمارند، و نه تنها در این امر اهتمام کنند، که در آن نیز توفیق یابند. اما با رعایت شرط انصاف، از آنجایی که پرداختن به همه جزئیات ایفای این وظیفه از حوزه عمل و امکانات و حتی اختیارات شوراها خارج است، شورا می‌تواند اولاً با برنامه‌ریزی کلان و تعیین نیازهای مدیریت اسلامی شهر، نیازهای خویش را به سایر سازمان‌ها و موسسه‌ها، به ویژه نهادهای آموزشی، سامانه‌های اطلاع‌رسانی، مجامع فرهنگی، موسسه‌های پژوهشی و نهادهای تقنینی معرفی کند و از آنها بخواهد تا با بسترسازی مناسب در حوزه فعالیتشان، شوراها را در اجرای وظایف و رسالتشان یاری کنند. ثانیاً به عنوان نمایندگان مردم، از قوای مختلف کشور، این حق بزرگ و اساسی را طلب و آن را استیفا نماید.

در مورد اتصاف شوراهای اسلامی شهرها به اسلامیت، به طور معمول این اتصاف باید در بسیاری موارد بالاخص وظایف و عملکرد شوراها را تحت تاثیر قرار داده و حاصل کار (شهر ساخته شده و مدیریت شده و توسعه یافته توسط شورا) را با شهرهای دیگر که شوراهایی اسلامی بر آنها کنترل و نظارت نمی‌کنند، متمایز نمایند. شناخت زمینه‌های تاثیر صفت اسلامی بر نتیجه کار با یافتن پاسخ این سوال که علت اتصاف شورا به اسلامی چه بوده است، امکان‌پذیر است. در فرایند یافتن این پاسخ به طور معمول بیش‌ترین توجه بر تجزیه و تحلیل وظایف و روش کار شورا متمرکز خواهد بود. بنابراین، باید به این موضوع پرداخت که "وظایف شوراها چیست؟" در پاسخ

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Modiriyat Shahri

شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷

No.19. Spring 2008

۲۱

۱- مطابق اصل یکصدم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورای به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد." همچنین در فصل دوم (امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی) سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، بند بیستم آمده است: "هویت بخشی به سیمای شهری و روستا [از طریق] بازآفرینی و روزآمدسازی معماری ایرانی - اسلامی و رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمنی بناها و..."



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahrī
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
NO.19, Spring 2008

■ ۲۲ ■

عوامل رسیدن به توسعه پایدار است (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۷۹) اما، توجه به بحران‌های معنوی و از جمله بحران هویت، بحران فرهنگی و بحران‌های اخلاقی از مهم‌ترین موضوع‌هایی می‌باشد که مورد غفلت قرار گرفته است که در مقوله بحران هویت توجه ویژه‌ای را طلب می‌کند. یکی از اصلی‌ترین وظایف شوراهای اسلامی و همچنین مدیریت شهر، مدیریت بحران‌هایی است که احتمال ابتلای جامعه به آنها وجود دارد. اگر چه در وضعیت فعلی، مدیریت بحران واجد تشکیلاتی است، اما معمولاً مدیریت بحران‌های غیرمترقبه و آن هم وجه مادی و کمی و فیزیکی آنها مد نظر قرار دارد. اصلی‌ترین آنها نیز بحران‌های ناشی از وقوع زلزله و سیل و توفان و آتش‌سوزی و امثال آن‌ها هستند. این در حالی است که سایر بحران‌های بسیار خطرناک‌تر از بحران‌های غیرمترقبه اشاره شده، که به طور کامل واضح و روشن، جامعه و سلامت معنوی و روحی و حتی فیزیولوژیکی آحاد آن به شدت تهدید می‌شود، و توجهی به مدیریت و کنترل آنها مبذول نمی‌گردد. حتی اگر گاهی به صورت موردی ذکری از آنها می‌شود، برنامه‌ریزی جدی و پیگیر و مداومی برای مدیریت و کنترل و امحاء این بحران‌ها معمول نمی‌شود. این در حالی است که همگان نیز به روش‌های مختلف از جوه گوناگون این بحران‌ها سخن می‌گویند. بارزترین نمونه آن بحران هویت در معماری و شهرسازی معاصر است. فضاها و عناصر تقلیدی از بیگانگان و رفتارهای ناشی از حضور در این فضاها و اماکن، جلوه‌های بارزی از عوامل بحران‌زا هستند، که یکی از وظایف اصلی مدیران شهر، ایجاد فضاهای مناسب و برنامه‌ریزی برای استحاله فضاهای نامطلوب شهری است.

- فرهنگ‌سازی: فرهنگ‌سازی و به عبارتی توسعه فرهنگی جامعه، و آشنا کردن کلیت جامعه با ارزش‌های اسلامی و چگونگی ظهور آنها در محیط زندگی و یادآوری تاثیر متقابل محیط و فرهنگ بر یکدیگر، موضوعی است که علاوه بر ملحوظ داشتن آن در برنامه‌ها و طرح‌های شوراها، مدیران شهر و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و در نهایت اهل شهر باید به طور دقیق از آن آگاه باشند. آگاهی به بارزهای فرهنگ اسلامی و شناخت فرایند تجلی آن ضرورت انکار ناپذیر مدیریت اسلامی شهر است، که با سامانه‌های آموزش و اطلاع‌رسانی ارتباطی تفکیک‌ناپذیر دارد. برای آموزش اولین گام اصلاح نظام آموزشی است که تا این مهم به انجام نرسد، همه رشته‌های دیگر راه به جایی نخواهند برد. به این ترتیب

است که نقش آفرینی شوراهای اسلامی در سامانه‌های آموزشی، نقشی اساسی دارند. نکته مهم این است که در دوران معاصر، نقش سامانه‌های اطلاع‌رسانی یا به عبارتی نقش سامانه آموزش غیر رسمی اگر از نقش آموزش رسمی مهم‌تر نباشد به هیچ وجه از آن کمتر نیست. سامانه‌های آموزش غیررسمی، در واقع، انتظارات و تقاضاهایی را به وجود می‌آورند، که سامانه آموزش رسمی باید پاسخگوی این انتظارات و تقاضا باشد. - تدوین مبانی نظری: آنچه که فقدان آن در مدیریت، طراحی و برنامه‌ریزی شهری کاملاً مشهود است، فقدان مبانی نظری ایرانی مبتنی بر تعالیم اسلام است که بتواند پایه طرح‌ها و برنامه‌ها قرار گیرد. مبانی نظری باید بتواند آرمان‌ها، سیاست‌ها و روش‌های تحصیل آرمان‌ها و نقش هر یک از مردم و مدیران را در این روند معرفی نماید. مبانی نظری باید بتواند برنامه‌ریزان و مجریان امور فرهنگی را به سمت ایجاد فضای تعریف شده بر اساس آرمان‌های جامعه هدایت نماید. ضمن آن که در نهایت فضایی خلق خواهد شد که در آن هم روابط اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی و انسانی جامعه و همچنین وظیفه و حق هر یک از شهروندان مد نظر قرار گرفته باشد. طبیعی است که در نبود مبانی نظری ایرانی و اسلامی، مبانی نظری و فکری ماخوذ از بیگانه به ایفای نقش خواهند پرداخت. یکی از نکات مهم و شایان توجه در مدیریت شهر، تنظیم مبانی ویژگی‌ها و وظایف مدیران شهر و شیوه تماس آنها با مردم و همچنین چگونگی مصرف منابع است. این مبانی و حتی بسیاری از مصادیق این موضوع‌ها به نحو واضح و روشنی در متن‌های اصیل اسلامی و از جمله در نامه‌ها و خطبه‌های مختلف نهج‌البلاغه برای کارگزاران و فرمانداران و مدیران جامعه ذکر شده‌اند.

- معرفی مبانی علمی: موضوع ارتقای آگاهی و دانش آحاد جامعه در مورد مسایل شهری و به تبع آن موضوع آموزش، موضوع‌های بنیادینی هستند که به طور معمول شوراها و شوراهای اسلامی شهرها با آنها در تماس نزدیک خواهند بود. آموزش به دو موضوع مهم بستگی دارد، نوع و ریشه علم و تعریف انسان (به عنوان معلّم و متعلّم). نکته مهم این است که برای وصول به جامعه پایدار (یا به تعبیر اسلامی جامعه رو به کمال و کمال‌گرا) این دو موضوع خود باید به پایداری رسیده یا واجد پایداری مناسب باشند. باید توجه داشت که فقط علم متکی به وحی، علم پایدار است،^۲ و طبیعی است که وحی مصادیق جزئی را بیان نمی‌کند و آنها را به عقل سلیم وا می‌گذارد. اما در

۲ - طبیعی است که این سخن به معنای بی‌توجهی به دستاوردهای علوم بشری نیست، بلکه توجه دادن به این نکته است که این دستاوردها عموماً ناپایدار هستند، که مکاشفات هر روزه، ابطال بسیاری از آنها و جایگزینی‌شان با علوم جدید را اثبات می‌کند.



می‌باشد. در ارائه این تعریف با توجه به همه عواملی که ملتی از آن آگاه است و از جمله اهداف و آرمان‌هایی که برای جامعه خویش در نظر دارد، بایستی جزئیات بیشتری را مورد بررسی قرار دهد.

برای نمونه، در پاسخگویی به نیاز جامعه برای امحاء مشکلات ناشی از توسعه‌های صنعتی و فعالیت‌های انسان، آرا و گروه‌های مختلفی در ممالک گوناگون به وجود آمدند که از میان آنها نظریه توسعه پایدار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به نحوی که روز به روز بر طرفداران این نظریه اضافه شده و در کنفرانس‌های متعددی آرا و نظرات آن مطرح شده و نظر دولت‌ها را نیز به خود جلب نموده است. در ایران نیز توجه به اصول توسعه پایدار مد نظر تشکیلات مختلف قرار گرفته است. با توجه به وحدتی که برهستی حاکم است، این امر مسلّم به ذهن متبادر می‌شود که صرف توجه به منابع طبیعی و نحوه بهره‌برداری از آن کارساز نمی‌باشد، بلکه جملگی فعالیت‌های انسانی بایستی در حیطه توسعه‌ای کمال‌گرا و کل‌نگر و وحدت‌بخش مورد تجدید نظر و برنامه‌ریزی مجدد قرار گیرند که یکی از مهم‌ترین آنها مقوله حیات شهری است. شهرها به جهت آن که اولاً محل استقرار تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزان و مدیران و محققین و پژوهشگران می‌باشند، ثانیاً به دلیل آن که مهم‌ترین مصرف‌کننده منابع طبیعی هستند، ثالثاً بیش‌ترین فضولات و آلودگی‌ها را تولید می‌کنند، رابعاً بزرگترین قربانی توسعه لجام‌گسیخته صنعت و غافل از نتایج اسف‌بار آن بر حیات انسان و طبیعت می‌باشند، و به دلیل بسیاری ویژگی‌های دیگر، شهرها یکی از اصلی‌ترین مکان‌هایی هستند که بایستی به روش‌های مختلف شناسایی و رعایت اصول توسعه کمال‌گرایی که بر وصول به نسخه اسلامی توسعه انسانی استوار است را وجه همت خود قرار دهند (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۵). یکی از مهم‌ترین قلمروهایی که در صورت توجه به این اصول خواهد توانست نقشی بسیار ارزنده در دگرگونی شرایط حیات به سمت امحاء مشکلات موجود و ارتقاء کیفی حیات برای حال و آینده ایفا نماید، قلمرو مدیریت شهری است. این قلمرو که با عناصر مهمی همچون انسان، طبیعت، منابع طبیعی، روش‌های بهره‌برداری از منابع، تولیدات حاصل از منابع طبیعی، تولیدات مضر حاصل از فعالیت‌های انسانی و بهره‌برداری از منابع، و اثرات منفی ناشی از این عوامل بر زندگی انسان در بالاترین و بیش‌ترین سطح مرتبط است، در صورت اصلاح رویه، خواهد توانست جوامع کوچک‌تر را نیز هدایت و اداره نماید.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahri
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
NO.19. Spring 2008

■ ۲۳ ■

مورد مبانی و اصول و اهداف و غایات در همه زمینه‌ها توصیه‌های بسیار روشن و واضحی دارد.

به این ترتیب، تعریف و تهیه برنامه‌ای برای ظهور شهر پایدار یا ظهور توسعه پایدار در شهر، نیازمند وجود دو عامل انسان پایدار (به عنوان برنامه‌ریز و مجری) و علم پایدار (به عنوان فضای فکری و عمل) خواهد بود که هر کدام از این‌ها که فاقد پایداری لازم باشند، تأثیری منفی بر پایداری شهر و توسعه آن خواهند داشت. در واقع، مبانی علمی یا پایه‌های علم مورد نظر باید بر بستری استوار شوند که خود واجد پایداری بوده و مدام در حال تغییر نباشد. در مورد انسان پایدار و ویژگی‌های آن در موضعی دیگر به تفصیل سخن گفته شده است، که با رجاع به آنجا،^۲ در این مجال به اصلی‌ترین ویژگی علم پایدار اشاره می‌شود. منابع دریافت‌ها و دانش انسان عبارت از حس و تجربه، منطق ریاضی، برهان عقلی، مکاشفات عارفانه و وحی (علوم ماخوذ از خداوند) می‌باشند. کامل‌ترین طریق که امکان خدشه و خللی به آن وجود ندارد، علمی است که از راه وحی به انسان رسیده باشد. طبیعی است که در این راه، استفاده از کتاب الهی و تفاسیر ناب آن (احادیث و روش‌ها و مصادیق از معصومین^ع) و شناسایی اصول بنیادین این منبع علمی، ضرورت تام دارد. در حقیقت، نه تنها آنچه که از وحی به دست انسان می‌رسد، واجد پایداری و فاقد امکان لغو و ابطال است، که در مرتبه‌ای دیگر می‌توان گفت که امور و علوم مبتنی بر معنویت الهی و به تبع آن زندگی اخروی و معنوی، مصداق بارزی از پایداری هستند که می‌توانند در زندگی و فعالیت‌های مادی انسان نیز الگو و ملامت عمل قرار گیرند (نقی‌زاده، ۱۳۸۶، صص ۴۳۳-۴۳۲).

- روزآمد نمودن تجارب تاریخی و ایرانی (ارائه‌ی نسخه‌ی اسلامی آرا و نظریه‌ها): اگر چه که واضع‌ها و ابداع‌کنندگان و مروّجین ایده‌ها و نظریه‌ها، مختصّات و ویژگی‌هایی را برای آن برشمرده و در نیل به آن نیز توصیه‌هایی را ارائه نموده‌اند، اما باید توجه داشت که با عنایت به تفاوت‌هایی که در اصول و ارزش‌ها و مختصّات مقولات و قلمروهایی چون دین، فرهنگ، هنر، معماری، شهرسازی، شرایط اقلیمی و محیطی، موقعیت جغرافیایی، امکانات فنی و اقتصادی در دسترس و عواملی از این دست، بین ملل و حتی بین شهرهای مختلف وجود دارد، اگر نتوان ادعا کرد که هر شهر، می‌توان گفت که هر ملت و فرهنگ و کشوری نیازمند در دست داشتن تعریفی ملی و مناسب خویش؛ از همه موضوع‌های مرتبط با حیات اجتماعی و مدنی‌اش



اصول اصلی حیات شهری

از آنجائی که بنیادی ترین هدف فعالیت های جامعه را می توان ارتقاء شرایط کیفی (کمی) حیات برای انسان تلقی کرد، برخی اصولی که در این ارتقاء، نقش مهمی ایفا می کنند و رعایت آنها در مناطق شهری توصیه می شود، عبارتند از:

ارتباط با طبیعت: حفظ و ارتقاء ارتباط انسان با طبیعت، به دلیل تاکید تعالیم اسلامی بر روش های بهره گیری از منابع طبیعی، و همچنین به دلیل تاکید تعالیم اسلامی به تماس با طبیعت به جهت معنای نمادین طبیعت و عناصر طبیعی و نقشی که در تذکر دهی انسان و ارتقاء کیفی محیط ایفا می نمایند، اهمیت دارد. این ارتباط را از طرق مختلفی می توان به وجود آورد و آن را حفظ و تقویت نمود. از جمله گسترش مناسب فضای سبز و ایجاد ارتباط انسان با طبیعت در یک سلسله مراتب منطقی از واحد مسکونی تا زیر محله و محله و کل شهر و پیشگیری از ایجاد هرگونه آلودگی در محیط. این به عکس وضعیت فعلی است که با گسترش الگوی شیوه زیست بیگانه، ارتباط با طبیعت را تنها در فضاهای سبز شهری (پارک ها) خلاصه می کند.

قانون مندی: یکی از اصلی ترین ویژگی های شهر مطلوب و فضای مناسب زندگی قانون مندی آن است، که همه مکاتب فکری (در عین وجود تمایز در میانی) از آن می گویند. برای نمونه، جامعه مدنی معاصر جامعه ای صوری است که قانون و قرارداد مقوم و عامل پایداری آن است، در حالی که جامعه معنوی و دینی جامعه ای حقیقی است که عامل پایداری اش ارتباط معنوی اهل آن می باشد، و به دلیل حاکمیت قانون الهی به سادگی از هم نمی پاشد، به بیان دیگر، هر دو جامعه برای دوام و بقا و رشد خویش نیازمند قانون و سیطره و رعایت آن هستند. جامعه نوع اول، متکی به قانون (به طور عام) قانونی انسان ساخته و قراردادی اجتماعی (به صورت خاص) می باشد. نکته این است که حد پایداری جامعه به تامین منافع اعضایش و به میزان پای بندی آنان به قانون جامعه بستگی تام دارد. اما جامعه دینی که او نیز (به طور عام) به قانونی پای بند است، قوانین خویش را از باورها و اعتقادات مردم که مبتنی بر وحی هستند اخذ می کند، و به این ترتیب، جامعه به طور عام پای بند به قانون و رعایت آن است. اگر در جامعه اول تخلف از قانون جرم است، در جامعه دوم، علاوه بر جرم، گناه نیز می باشد.

امنیت: اصل دیگری که ضرورت زندگی شهری مناسب و

مطلوب است، وجود و احساس امنیت و ایمنی در فضاهای مختلف شهری است. امنیت علاوه بر جنبه های متعارف مثل امنیت در مقابل آسیب سایرین یا ایمنی در مقابل بلایای طبیعی و مصنوعی، شامل مقولات دیگری نیز می باشد که غالباً در قلمرو غیر فیزیکی حیات قابل بحث هستند. به طور مثال، امنیت در مقابل شیوع فرهنگ های بیگانه، امنیت در برابر مصرف گرایی و خودنمایی و خودستایی و حتی امنیت در مقابل اصوات مزاحم، و جوهی از امنیت هستند که همه شان تاثیر بنیادینی بر برنامه ها و طرح های شهری در زمینه سیمای عمارات و فضاهای شهری، شکل و سیما و الگوی مبلمان شهری و فضاهای شهری دارند (ر.ک: امین زاده، ۱۳۷۹).

اصلاح و عمران: توجه به عمران و اصلاح زمین اصل مهم منبعث از تعالیم اسلامی است که می تواند به عنوان اصل بنیادین فعالیت های انسان بر زمین معرفی شود (ر.ک: قرآن کریم، هود: ۶۱، شعراء: ۲-۱۵۱، اعراف: ۵۶ و ۸۵، یونس: ۴ و بسیاری آیات دیگر). این توجه، فی الواقع، احتراز از فساد در زمین است، که تعالیم اسلامی به شدت آن را نفی و نهی می نماید. این توجه، مدیران شهری را به ارزیابی جدی طرح ها و برنامه های شهری فرا می خواند و آنها را به سمت کنترل مداوم طرح ها هدایت می کند تا فعالیت ها از مسیر اصلاح و عمران زمین منحرف و به سمت فساد در زمین گرایش نیابند. لازم به ذکر است که یکی از مهم ترین وسایل این ارزیابی معیارهای ارزیابی می باشد که نه تنها در ارزیابی نتایج حاصله که در تهیه طرح ها و برنامه ها و مقایسه آراء و نظرات مختلف با یکدیگر کاربرد خواهد داشت. در تهیه این معیارها نیز توجه به فرهنگ جامعه و ارزش های حاکم بر آن که از جهان بینی اسلامی منبعث شده باشند، ضرورت دارد. تهیه این معیارها جامعه را از آسیب هایی که در اثر تکرار و تقلید معیارهای بیگانه برای برنامه های مدیریت و توسعه بر آن وارد می شود، مصون خواهد داشت.

دانش و آگاهی: از آنجائی که یکی از اصلی ترین مجریان طرح ها و برنامه ها جامعه است و نتایج اجرای طرح ها و برنامه ها نیز متوجه کیفیت زندگی آنان خواهد بود، بنابراین باید توجه کرد که آگاهی آحاد جامعه نسبت به موضوعات مرتبط با حیات انسانی و غایت آن همواره در سطح مطلوبی حفظ شود. حفظ آگاهی آحاد جامعه نسبت به عوامل و زمینه های مختلف حیات و زندگی اجتماعی اصل بسیار مهمی است که در صورت توجه لازم به آن، جامعه خواهد توانست به سمت کمال (و به تعبیر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahrī
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
No.19. Spring 2008



جوامع شهری (به خصوص در ایران) ریشه مستحکمی ندارند بایستی در دستور کار قرار گیرد. انواع مختلف وحدت مورد نظر، در مقولاتی همچون وحدت افراد جامعه، وحدت تشکیلات مدیریتی جامعه، وحدت جامعه و تشکیلات مدیریتی جامعه، وحدت رویه، وحدت برنامه‌های مختلف و جامع‌نگری آنها و وحدت کالبد شهری (یا ظرف فعالیت‌های اجتماعی) قابل پی‌جویی است.

راه‌های اعمال اصول اسلامی در مدیریت شهری

اعمال اصول فوق‌الاشاره در مدیریت شهری، به نوبه خود اتخاذ روش‌هایی را طلب می‌کند که از بطن مبانی نظری این اصول و به عبارتی از متن اسلام و متون اصیل اسلامی استخراج شده باشند. این به آن دلیل است که اصولاً روش‌های پاسخگویی به هر مقوله‌ای، به خصوص که مبتنی بر مبانی نظری تعریف شده مشخصی باشند، نیازمند تبیین و بنیان‌گذاری بر مبنای مبانی نظری خاص مقوله مورد نظر می‌باشند. توجه به این نکته لازم است که روش‌ها و سیاست‌ها و تشکیلاتی که در جهان معاصر، در جهت اداره شهر و بهره‌گیری از طبیعت و خلاصه در زمینه حیات و فعالیت‌های اجتماعی عمل می‌کنند؛ شکل گرفته بر پایه و اساس تفکر و آرائی هستند که آن گونه حیات و فعالیت را با ویژگی اصلی تمرکز بر وجه دنیایی زندگی انسان توجیه می‌کنند. از این رو با آن تفکر و با آن روش‌ها، امکان پیاده کردن سیاست‌های منبعث از تفکر اسلامی ناممکن است. بنابراین، یکی از مهم‌ترین گام‌های ابتدایی اعمال اصول اسلامی در مدیریت شهری عبارت از اصلاح تلقی جامعه و مدیران شهری نسبت به عناصر و اعضاء متشکله محیط شهری و معرفی و بسط آراء ماخوذ از تفکر اسلامی به عنوان مبانی نظری و پایه‌های اصول شکل‌دهنده مدیریت هستند. پس از تبیین آراء و اصول و اصلاح سیاست‌ها و معرفی تلقی مناسب نسبت به محیط شهری، شناسایی و به کارگیری ابزار و مصالح مناسب و در خور هر زمینه‌ای ضرورت دارد. بدیهی است ابزار و مصالحی بایستی بکار گرفته شوند که ضمن پاسخگویی به نیازهای جامعه و اداره شهر بتواند وفادار ماندن به اصول و ارزش‌های اسلامی و عدم خدشه به آنها را نیز تضمین کند. برخی از این اصول عبارتند از:

هماهنگی: قبل از مرحله آغاز اعمال اصول اسلامی در مدیریت شهری، تهیه و در دست داشتن برنامه‌ای ضرورت دارد که ویژگی‌های اصلی برای این برنامه که باید رعایت شود نیز عبارت از: شکل‌گیری آن بر پایه آراء منبعث از تفکر اسلامی، معرفی تشکیلات مجری، مواقع کنترل و ارزیابی

امروزیان به سمت توسعه‌ای پایدار) سیر کند. وضعیت و توسعه‌ای که ضمن تامین حیات مطلوب برای جامعه امروز، زمینه زندگی مناسب برای نسل‌های آینده را نیز به وجود خواهد آورد. اهم عوامل و زمینه‌هایی که آموزش آنها ضرورت دارد، عبارتند از: حقوق اجتماعی، قوانین و مقررات، وظایف فردی و اجتماعی، نقش طبیعت بر تداوم حیات انسان، تاثیر عناصر شهری بر ارتقاء کیفی حیات حقوق متقابل اهل شهر و مدیران شهر و مهم‌تر از همه آشنایی مردم، با نتیجه عدم توجه و خدشه در هر يك از این عوامل و زمینه‌ها و تاثیر منفی آن بر حیات اجتماعی مطلوب و مورد نظر برای انسان. این امری طبیعی است که بسیاری، یا همه اشتباهات انسان ناشی از جهل او نسبت به عواقب و نتایج اعمالی می‌باشد که به ظاهر برای سعادت و رفاه خویش انجام می‌دهد و البته فقدان باور و ایمان را نیز می‌توان در همین مقوله جهل طبقه‌بندی نمود. به طور مثال، آسیبی که از ناحیه توسعه صنعتی و بهره‌گیری بی‌رویه از منابع طبیعی بر جوامع انسانی وارد شده است جملگی از جهل انسان در مورد آثار منفی آنها بوده است. اگر چه که منفعت طلبی برخی را در عین آگاهیشان به عواقب این گونه اعمال می‌توان مهم ارزیابی کرد؛ لکن عدم آگاهی جامعه نقش اساسی را ایفا می‌نماید. زیرا چنانچه جامعه‌ای به نتیجه عمل و برنامه‌ای آگاه باشد، امکان تخطی دیگران تقلیل می‌یابد. بنابراین، یکی از اصول بسیار مهم در مدیریت شهری ارتقاء آگاهی آحاد جامعه نسبت به نتیجه اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها و همچنین رفتارهای فردی می‌باشد که در صورت وجود درجه بالایی از دانش، هم امکان ارتکاب اعمال مخالف کمال انسان از سوی افراد تقلیل می‌یابد و هم این که زمینه سوء استفاده احتمالی توسط افراد و گروه‌های بی‌توجه به اصول از بین خواهد رفت. این روند با رشد و توسعه برخی اصول اسلامی در جامعه همچون امر به معروف، نهی از منکر، قناعت، اجتناب از اسراف و امثال آن تقویت خواهد شد. لازم است که اصلی دیگر نتیجه شود و آن عبارت از: وحدت‌گرایی در حیات جامعه و توجه عام بر همه زمینه‌ها و هماهنگی کلیه آحاد و سازمان‌ها و تشکیلات دخیل در اداره شهر و جامعه می‌باشد.

وحدت و جامع‌نگری: اصل بسیار مهم حیات اجتماعی اصل ضروری وحدت است. این اصل که منبعث از تفکر و فرهنگ اسلامی است در کلیه زمینه‌های حیات و فعالیت‌های اجتماعی بایستی مطلق نظر قرار گیرد و همچنین شناسایی برخی جنبه‌های آن که احتمالاً در

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahri
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
NO.19. Spring 2008

و بالاخره نتایج مورد انتظار از آن می‌باشد. در مراحل مختلف و به خصوص در مرحله اجرای برنامه‌ها، یکی از مهم‌ترین ملزومات توجه دادن و هدایت کلیه تشکیلات دست‌اندرکار مدیریت شهر به سمت اتخاذ یک رویه واحد و هماهنگ می‌باشد. این وحدت رویه قادر خواهد بود به یکی از مهم‌ترین اصول اسلامی در فعالیت‌های انسان که اجتناب از اسراف و صرف بجا و صحیح مواد اولیه است جامه عمل بپوشاند. وحدت رویه، در واقع، از بسیاری عملیات موازی و یا عملیات مخرب پیشگیری خواهد نمود.

آموزش: یکی از مهم‌ترین راه‌های اعمال اصول اسلامی در مدیریت شهری؛ به همراه داشتن نیروی جامعه یا به عبارتی بهره‌گیری از حمایت‌های بالقوه‌آحاد جامعه است. در این راه، آموزش یکی از مهم‌ترین ابزار است و موضوع‌های آموزش نیز بسیار مهم و متنوع هستند. اولین مرحله در این آموزش یا استمداد و طلب همراهی جامعه آن است که جامعه مطمئن شود (و نه این که فقط به او این وعده داده شود که بعد هم به آن عمل نشود) که پیاده شدن برنامه‌ها و همکاری او برایش مفید خواهد بود. **ارزیابی:** مرحله بعدی عبارت از ارائه نتایج و اثرات نامطلوب روش‌های نامناسب گذشته در مقولات مختلف حیات جمعی می‌باشد، به همراه این اطلاع‌رسانی توجه دادن جامعه به روشهای مناسب و چگونگی اجرای آنها و همچنین نتایج ارزیابی مداوم آنها به منظور ارائه بهبودهای کیفی و کمی در محیط اجتماعی ضرورت دارد. فراموش نکنیم که امام‌الموحّدین^ع به عنوان مدیر جامعه، یکی از حقوق مردم را آموزش آنان می‌دانند، و آن را به عنوان وظیفه خویش بر می‌شمارند: "ای مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی است. حقی که شما به گردن من دارید، اندرز دادن و نیک‌خواهی شماست و غنایم را به تمامی، میان شما تقسیم کردن و تعلیم دادن شماست تا جاهل نمانید و تادیب شماست تا بیاموزید" (نهج البلاغه، خ ۳۴).

عبرت‌گیری: هر جامعه انسانی به دلایل مختلف به الگو و نمونه توجه دارد. این توجه به الگو و نمونه به طور واقع توجه به يك منبع مهم اطلاعات و دانش بشری یعنی تجربه می‌باشد. تجارب جوامع بشری اعم از گذشته و معاصر و مسلمان و غیرمسلمان همواره می‌تواند انسان را نه تنها در اتخاذ روش‌های مناسب و موفق یاری رساند، بلکه می‌تواند او را از نتایج اتخاذ روش‌های نامناسب نیز آگاه نماید. این اصل در فرهنگ اسلامی به عبرت‌گیری از اعمال دیگران و همچنین توجه به عواقب مترتب بر آنها معطوف است و آیات متعددی از کلام الهی به آن اشاره دارند.

تذکر: مقولات متعددی عامل تذکردهی انسان هستند. از جمله این مقولات: طبیعت و عناصر طبیعی، نمادها و نشانه‌ها، روابط، سازمان فضایی و سیمای عمومی شهرها از اصلی‌ترین عوامل تذکردهنده و هدایت‌گر آنها هستند. ضمن آن که برخی شیوه‌های معماری و شهرسازی بیانگر و نمایشگر نوع تفکر و اخلاق عمومی و خواست‌های جامعه نیز می‌باشند. از جمله می‌توان از حیا و تواضع و معناگرایی و تعاون و تقوی و بسیاری صفات دیگر سخن گفت. تذکردهی شهر یکی از عوامل مصون داشتن اهل شهر از غفلت و همچنین تشویق مردم به حرکت در مسیر جامعه‌ای انسانی و مطلوب است.

قناعت و عزت: قناعت به عنوان صفتی مطرح است که نه تنها زمینه‌ساز استفاده بهینه از مواهب طبیعی و اجتناب از اسراف و تبذیر است، زمینه‌ساز عزت انسان نیز می‌باشد. قناعت به معنای حداکثر بهره‌گیری از منابع در دسترس و یا مدیریت زندگی فردی و اجتماعی بر پایه امکانات در اختیار و بدون اسراف و تبذیر و احساس حقارت و کوچکی در برابر دیگران می‌باشد. قناعت و عزت در واقع مبین و مروج هویت و شخصیت خاص فرد و جامعه می‌باشند. هویتی که تحمیلی نبوده و واجد خویش را به مباحثات هدایت نموده و حتی سایرین را نسبت به آن آگاه می‌گرداند.

برخی پیشنهادات

به این ترتیب، یکی از موضوع‌های مهمی که شوراهای اسلامی باید آن را مورد توجه جدی قرار دهند این است که انسان در فضای جهان‌بینی فکر و عمل می‌کند. هر جهان‌بینی سوالات خاص خود، و در نتیجه ابزار و روش و غایت خاص خود را دارد. بنابراین، اسلام، که به تایید اکثریت قریب به اتفاق کسانی که به آن باور دارند یا در مورد آن اظهارنظر می‌کنند، فلسفه زندگی است، به طور معمول باید روشی خاص را برای زندگی و برای شکل دادن به محیط و فضای زندگی معرفی کند چرا که نمی‌توان مسلمان بود و طالب همه شئون اسلامی بود اما به روش بیگانگان زیست کرد. با عنایت به آنچه گذشت، برخی از اصلی‌ترین کارهایی که شوراها می‌توانند و باید انجام دهند عبارتند از:

- معرفی (و در صورت تامین بودجه) سفارش انجام پروژه‌های تحقیقاتی به مجامع علمی و پژوهشگران مستقل.

- کمک به ارزیابی برنامه‌های آموزشی و گرایش دادن آن به سمت برنامه‌های پاسخگو به نیازهای شهر اسلامی
- اهتمام در ایجاد وحدت و آگاهی‌های متقابل بین



از دگرگونی رأی و اندیشه، به ویژه به هنگام تغییر مدیر یا به وقت هجوم آرا و الگوها و شیوه‌های بیگانه، تبعیت از علم پایدار (وحی) است. به این ترتیب و به عنوان جان کلام، یکی از اصلی‌ترین سوالات پیش روی شوراهای اسلامی شهرها این است که دریابند، نسخه اسلامی شهر، شهروند، مدیر شهر، مدیریت شهر و همه اجزاء مربوط و مرتبط با این‌ها (اعم از طبیعی و مصنوع و ارتباطات و فعالیت‌ها و زیبایی‌ها و زشتی‌ها و ساختن‌ها و طرح‌ها و برنامه‌ها) کدام‌اند و نقش شورای اسلامی شهر در تجلی بخشیدن به آن‌ها چیست؟ و شاید قبل از شوراها پاسخ این سوال باید از سوی کسانی داده شود که آنها را به اسلام متصف نموده‌اند.

منابع و ماخذ:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه (مجموعه خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی بن ابیطالب ع)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸
- سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون شوراها
- امین زاده، بهناز، مبانی امنیت در شهر اسلامی، مجله پژوهش (نشریه پژوهشکده علوم انسانی - اجتماعی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران)، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۹
- نقی زاده، محمد، جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ۱۳۸۴
- رابطه توسعه پایدار شهری و مدیریت بحران در ایجاد ایمنی و امنیت، مجله زمین لرزه (نشریه انجمن مهندسی زلزله ایران)، سال ۵، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۷۹
- معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، انتشارات راهیان، اصفهان، ۱۳۸۵
- ادراك زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۶

مدیران، برنامه ریزان و طراحان شهر. فقدان این وحدت سبب می‌شود تا هر گروه به راه خود رفته و هر کدام در شرایط متفاوت (در موقیّت‌های اداری متفاوت) نظر خود را به دیگران تحمیل و از آن به عنوان ابزار پیاده کردن منویات خود استفاده کند.

- ارایه تعریف بومی و نسخه ایرانی از تعبیر و اصطلاحاتی که یا در مقولات زندگی شهری (اعم از مدیریت و برنامه‌ریزی و طراحی) از گذشته کاربرد داشته‌اند و یا این که اخیراً از طریق ترجمه‌ها وارد ادبیات شهرسازی و معماری کشور شده‌اند. در واقع، بر خورد فعال و نه منفعلانه با تجارب جهانی توصیه می‌شود.

- شورای اسلامی شهر که منتخب مردم و مرتبط با آنهاست و به همین دلیل یکی از وظایف اصلی آن اعلام برنامه‌ها (اعم از فردی یا گروهی) و ارتقاء آگاهی جامعه در مورد مبانی تصمیمات خویش است، در این راه باید موضوعات جامعه، شهروند، حقوق شهروندی، مردم سالاری دینی، نهادهای مردمی و امثالهم را با تمسک به متون اسلامی به طور واضح و روشن برای خود و جامعه روشن کرده باشد.

نتیجه‌گیری

اصلی‌ترین نتیجه ماخوذ از مباحثی که به طور اجمال مطرح شدند، این است که شورای اسلامی شهر باید در پی شناخت تمیز و شناخت ویژگی‌ها و تمایز خویش با شورای شهر باشد. با عنایت به اتصاف آن به اسلامیت، طبیعی است که اصلی‌ترین ویژگی‌های شورای اسلامی شهر به اهداف و سیاست‌ها و روش‌ها و وظایف برمی‌گردد که جملگی نیز باید از منابع و متون اسلامی استخراج شده باشند، و اگر از دیگران نیز اخذ شده‌اند، باید با معیارهای اسلامی ارزیابی و تایید شده باشند. امروزه که حتی علوم طبیعی به طور مداوم نسخ شده و در حال تغییر هستند، لزوم تکیه بر مبانی و اصول علمی پایدار برای تبیین وظایف و ارتباطات و برنامه‌ها و طرح‌ها ضرورت دارد. البته این سخن به معنای آن نیست که هر کسی تفسیر خویش از علم پایدار (وحی) را حرف آخر و فصل الخطاب بداند، بلکه سخن در این است که هر زمان زمانه‌ای و هر شرایطی نیازمند تفسیر و دریافتی متناسب از حقیقتی ثابت است که این همان تکیه بر علم پایدار، و نمونه‌ای از تمایز اصلی نوگرایی از نظر متالاهین با نوگرایی مد نظر مدرنیست‌ها است (ر.ک: نقی زاده، ۱۳۸۵).

امام الموحّدین ع می‌فرماید: "اگر رأی و اندیشه زمامدار دچار دگرگونی شود، او را از اجرای عدالت بسیار باز می‌دارد" (نهج البلاغه، نامه ۵۹، ص ۴۲۵). یکی از راه‌های پیشگیری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahri
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
NO.19. Spring 2008

■ ۲۲ ■



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی